

مبانی کلام هنر دینی

مقدمه

□ ابوعلی کسالی

در چنانی که در این کتاب به بحث از مبانی کلام هنر دینی نیز ضروری است. کلام هنر دینی، لازم است معنا و مفهوم کلام هنر دینی، جایگاه آن در هنر و ارزش آن، منابع بحث و شیوه‌های راهبردی از آن و بالاخره ابعاد آن روشن شود تا بتوان وارد بحث مبانی کلامی هنر دینی شد.

اگر «لذت»، «پایایی» و «خستگی» سه عنصر اساسی و بنیادی هنر باشند؛ و اگر زیربنای فطری، عنصر فوق، فطریات ادراکی و حسی است؛ و اگر گفته‌تره فطری فوق، تمام حقایق و اقیعیات علنی و رفتاری را شامل است؛ هر بیان «استعلائی» از نظر دین پیرامون آن، که خود جزئی از فلسفه دین است، به شناخت از مدار استعلائی خود دین در باب دین هنر وابسته است؛ و اگر بهره‌گیری از معانی محاسن باعبارت در هنر را و کاربری کلام در شناخت استعلائی هنر، کلام هنر دینی را پدید می‌آورد؛ و اگر شناخت استعلائی از هنر دینی و دین هنری همانند شناخت‌های عادی از دین و مفاد آن، خود جزئی از معارف وحی است؛ و اگر شناخت معارف

مبدأ اول: مفاهیم اساسی هنر دینی
اگر «زیبایی» لذت تجسّم یافته است؛ و اگر «هنر» اساساً است؛ و «ابداع»، بیان تخیلی و مدت بخش ذهن از مدرکات حسی و واقعیات مدرک، حالات روحی و روانی هنرمند و انگیزه و میزان توان «ابراز» هنرمند از راه شنیدار و یا گفتار و یا دیدار است؛ و اگر «دین»

در پیدایش، شکوفایی و رشد هر چهار عنصر فوق نقش اساسی دارد؛ و اگر نقش آفرینی «دین» گاه به نحو تأسیسی و گاه به نحو تأییدی است، پس باید بر این باور بود که نه تنها «هنر دینی» واقعیتی ترکیبی و برآمده از مبداء الهی بوده که خود به تنهایی «هنر دینی» نامی قابل برداشت از معارف و حیانی است، بلکه مفهوم مبانی کلام هنر دینی، حتی در جزئیات راهگشای شارع و هر شکل‌دهی هنر مبتنی بر دین و در حقیقت از زاویه هنر نیست.

مبدأ دوم نگاه به هنر دینی، علم، گاه غیر انسانی است؛ و اگر علوم انسانی به معنی وسیع‌تری است؛ و اگر علوم نقلی، گاه به نحو استقلال و گاه به نحو ضمنی از ساحت شارع دینی است؛ و اگر بیانات شارع پیرامون هنر دینی یا ابعاد هنر دینی به نحو استقلالی نبوده و صرفاً به نحو ضمنی است، پس باید بحث از مبانی کلام هنر دینی را از جمله علوم انسانی تشریحی ضمنی پنداشت. به همین دلیل است که هویت

بحث فوق از مختصات و جایگاه ویژه زیر برخوردار است:

الف) از جمله علوم انسانی بودن بحث فوق، دلیل نقش محوری انسان در ابلاغ معارف و حیانی عقلائی هنر دینی.

ب) پیرامون بودن شارع دینی (ج) از علوم انوی - و نه شارع دینی بودن.

مبدأ سوم: ضرورت و ابعاد بحث هنر دینی اگر گستره دین معارف و حیانی، سيطرة وجودی انسان شامل است و اگر وسعت و دایره نفوذ هنر تا ابعاد هستی انسانی و غیره گسترده است، پس هر ضرورتی را که برای دین در مسیر ارسال رُسل و کتب الهیه، توان، قابل تصدیق دید، نیز بیان ساخت معارف و حیانی از سوی شارع دینی پیرامون هنر دینی و دین هنری باید بتوان صادق یافت. به دیگر سخن، اگر خواندن مردم به سوی خداوند از ضرورت‌های ارسال رسولان الهی است:

«قال على عليه السلام: اعلموا أنكم ان أتبعتم
الدّاعى لكم، سلك بكم منهاج الرّسول،
وكفيتهم مؤونة الاعتساف، ونبذتم الثقل الفادج
عن الأعناق.»^١

الكتاب الّذى جاء به موسى نوراً و هدى
للنّاس يجعلونه قراطيس تبدونها وتحفون
كثيراً وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا آباؤكم قل
الله ثمّ ذرهم في خوضهم يلعبون.»^٢

تکامل بشر بدون راهنمایی به مصالح
و دور که
نیست:

«عن پیام بن الحکم بن أبی عبد الله علیه السلام
أنه قال لتزید بن العقیلی من أين أتبت
الأشیاء والرسل؟ قال: أتبتها من خلقنا
صانعاً متعالياً عن من جمیع ما خلق من
ذلك الصّانع حکیم الیاً لم یخفنا یشاهده
خلقه، ولا یلامسوه، فلو سمعهم ویبشروهم،
ویحاجهم یشکروه، لو لم یسألوا له سفراء فی
خلقه، یسألون عنه الی خلقه وعباده، یدلّونه
فیهم وینفعلونهم وینفعهم»^٣

تفاوتنا از ایشان. فثبت لامرون والنّاهون عن
الحکیم العلیم فی خلقه والمعبرون عنه جلّ
وعزّه، وهم الأنبیاء علیهم السلام وصفوته من خلقه،
حکماء مؤدّبین بالحکمة، مبعوثین بها، غیر
مشارکین للنّاس علی مشارکتهم فی الخلق

اگر علم، گاه انسانی و گاه غیر انسانی است؛
و اگر علوم انسانی، گاه عقلی و گاه نقلی
است؛ و اگر علم عقلی، گاه به روش استقلال
و گاه به نحو ظاهر شارع دینی
بیان شده است. هر یک از بیانات شارع پیرامون
هنر دینی و یا ابواب هنر دینی به نحو
استقلال نبوده و هر یک به نحو ضمنی است.
پس باید به بیان ابوابی کلام هنر دینی را از
جمله علوم عقلی و نقلی ضمنی
پنداشت.

پس هنر دینی تنها علم انسانی نیست
خواندنی خداوند است، بلکه خود جزئی از علم خداوند
شدن خداوند است؛ و اگر تکامل یافتن بشر
اهداف عالی نبوت است:

«وما قدروا الله حقّ قدره اذ قالوا ما
انزل الله علی بشر من شیء قل من أنزل

والتركيب في شيء من أحوالهم مؤيدين من عند الحكيم العليم بالحكمة...^۳

مبین. ۵

پس با توجه به توان و قدرت هنر شکل یافته بر اساس مبانی عقل و وحی، در دور ساختن

و اگر هنر می‌تواند مصلحت‌آفرین و مفسده

آور باشد، پس یافت مبانی دینی مرتبط به هنر و کاربرد آن از ضرورتی حتمی برخوردار است؛

و باید از نگاه عیوب و کمبودها، نیاز کردن چشمان نابینا نسبت به بیان ضرورت این بحث داشت؛ و این بیرون کردن

و اگر نجات آدمی را در برهه‌های طاغوتی از دیگر اهداف رساندن الهی است. «ولقد

مردم از ظلمت به سوی نور هدایت یافتند»^۶ «ولقد ارسلنا رسلنا بالآياتنا أن أخرج

«ولقد ارسلنا رسلنا بالآياتنا أن أخرج الله ورسوله من عليه الضلالة فسلوا في

قومك من الظلمات إلى النور وهداهم بأيام الله أن في ذلك لآيات لكل صبار شكور»^۷

«ولقد ارسلنا رسلنا بالآياتنا أن أخرج الله ورسوله من عليه الضلالة فسلوا في

هدایت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مردمان به سوی قسط و عدالت:

و اگر چه هم‌ترازی ابزارهای ممکن برای مبارزه با اعدای طاغوتی،

«لقد ارسلنا رسلنا بالآياتنا أن أخرج الكتاب لعلهم يرجعون ليقوم الناس بالقسط وأنزلنا

بهره‌گیری از هنر مبتنی و اساسی بر اساس معارف وحی و عقل است، پس باید آن مبارزه

بأس شدید و نافع للناس وليعلم الذين ينصرون ورسله بالغيب إن الله قوي

ضرورتی حتمی است. «ولقد ارسلنا رسلنا بالآياتنا أن أخرج الهی از عوامل زیربنایی ارسال رسوله الهی

متریز. ۷

است:

از بین بردن غل و زنجیرهای شیطانی:

«هو الذي بعث في الامم رسولا منهم

«الذين يتبعون الرسول النبي الامي الذي

يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب

يجدون مكتوباً عندهم في التوراة والانجيل

والحكمة وان كانوا من قبل لى ضلال

يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلَسَ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

بلسان الصدق الى سبيل الحق»^{۱۱} است، پس با توجه به توانایی هنر مبتنی بر دین و برخاسته از متن وحی در اجرای اهداف فوق، همان ضرورتها را برای هنر نیز یافت، همان ضرورتی که از تاریخ، حکم عقل و سیرت عقلانی بهره دارد.

مبدأ چهارم: منبع بحث اگر منابع دینی هنر را در حکم دینی، می توانند از احکام استقلال عقل، به واسطه ارسالی از سوی قرآن و حدیث و بالاخره سیرت ائمه شده از سوی شارع دینی، مقام تفسیر حکم و بلکه موضوعهای انسانی به واسطه هنر دینی چه به لحاظ موضوعی و چه به لحاظ دیدگاه احکام دینی خویش از جمله معارف و حیاتی است؛ و اگر هنر دینی به واسطه تجزیه و تحلیل ظاهر و باطنی و محرکات زیبا و لذتبخش انسانی در کشف و تعیین موضوع، ضروری است، پس باید منابع بحث مبانی کلامی هنر دینی را همانند منابع موضوع شناسی، همان گستره منابع معارف وحی آن هم با توجه به

«كان النور امة واحدة قبل الله التبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بالحق وما اختلفوا الا في ما اوتوه من بعد ما هم البيئات بغيا بل افهدى الله الذين آمنوا اختلفوا في من الحق باذنه والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم»^۹

هدایت مردم به سبیل راهی مستندی: «یهدی بغیة من اتبع ربه منه سبیل السلام ويخرج من الظلمات الى النور»^{۱۰} و یهدیم الی صراط مستقیم.»

و بالاخره اتمام حجت:

«قال على بن ابي طالب: بعث الله رسله بما خصهم به من وحيه، وجعلهم حجة له على خلقه، لئلا تجب الحجة لهم بترك الاعذار اليهم، فدعاهم

خصوصیات و قیود هر یک از منابع در کلان، بر تکمیل و جبران نقایص آن بکوشد. بهره‌برداری دانست.

فصل اول:

مبدأ پنجم: شیوه بحث

اگر شناخت هر معرفت دینی و یا الهی، باید مبتنی

باشد؛ و اگر شیوه بهدای، حجت‌ش نتایج

به دست آمده است و اگر هدف بقصود از

بیان مبانی کلامی، بیان حجج معتبر

دینی در مقابله با شبهات و چگونگی

بهره‌گیری از آن است، پس باید شیوه بررسی

مباحث دینی با بهره‌گیری از روش استنباط

اجتهادی به یاری دو نحوه نظر عادی و

استعلائی پنداشت

مبدأ ششم: ابعاد بحث

با توجه به عرضه نوین مباحث دینی

بهترین راه برای بیان ابعاد بحث، عرضه

دسته‌بندی شده مطالب آینده از برای خواننده

است، تا او بتواند کاملاً با مجموعه ابعاد و

مباحث این بحث آشنا شود، شاید که با درک

آیه و نشانه شناسی از دیدگاه هنر و زیبایی

فصل دوم:

بخش اول: معیارهای هنری بودن دین

چه چیزی است؟

- مناسب گسترده‌ان حقایق و

مدرکات دینی و هنری

- برداشت از دین

- کاربرد هنر دین

- ابلاغ وحی به شکل هنری

دینی

- هنری داشتن حقایق و احکام

دین

با توجه به عرضه نوین مباحث دینی

بهترین راه برای بیان ابعاد بحث، عرضه

دسته‌بندی شده مطالب آینده از برای خواننده

است، تا او بتواند کاملاً با مجموعه ابعاد و

مباحث این بحث آشنا شود، شاید که با درک

بخش دوم: ذاتیت هنری بودن دین:

- آیا اقتضاء ذاتی دین هنری بودن

آن است؟

- آیا اقتضاء تنزیلی بودن دین هنری

شدن آن است؟

- آیا اقتضاء فوق به نحو بالفعل است

و یا به نحو امکان؟

بخش بیان دین هنری چیست؟

آیا مسالک هنری اند یا خاستگاه هنری؟

بخش چه نام: آیا در هنر دین

هنر بر دین استوار دارد یا دین بر هنر؟

کدام سوهرت کدما میک پوسته و صدف؟

به شروع و ختم بیان دین هنری است؟

پنج اصل بیان دینی نبود و بشر

هدایت نموده یا عدم بیان هنری دین نیز

چنین آثاری است؟

بخش چه نام: آیا دین بر هنر

پذیراست؟ و نوع هنر بیان دین

جایگاهی ندارد؟

- نقش صدا و تصویر در عر

معارف دین چگونه است؟ کدما میک

مؤثرترند؟

- آیا مفاهیم دین قابلیت ملموس

شدن به صورت تصویر را دارا یند یا

خیر؟

- کدما میک از هنرهای بیانی از

جایگاه ویژه ای در هنر دینی

خور دارند؟

بخش بیان دین هنری چیست؟

آیا مسالک هنری اند یا خاستگاه هنری؟

بخش چه نام: آیا در هنر دین

هنر بر دین استوار دارد یا دین بر هنر؟

کدام سوهرت کدما میک پوسته و صدف؟

به شروع و ختم بیان دین هنری است؟

پنج اصل بیان دینی نبود و بشر

هدایت نموده یا عدم بیان هنری دین نیز

چنین آثاری است؟

بخش چه نام: آیا دین بر هنر

پذیراست؟ و نوع هنر بیان دین

جایگاهی ندارد؟

- خوبی ها و بدی ها، حسن و

قبح ها و لذت و الم ها

- تناسب اخلاقیات با هنر دینی

- آیا هر چیزی توان بیان هنری

از اخلاقیات دینی را داراست؟

دینی حدّ و مرز دارد؟

اگر هنر می‌تواند مصلحت‌آفرین و منسده‌آور

- آیا بشر عادی توانایی حدنهایی

باشد، پس یافت مبانی دینی مرتبط به هنر

فهم زیبایی‌ها و هنرها را دارد یا خیر؟

و کاربری آن از ضرورتی حتمی برخوردار است

- علل ناقص بودن حقایق هنری

دین چه چیزی است؟

فصل سوّم: هویت ملوکوتی و شکوفایی هنر

بخش اول: معرفت‌شناسی هنر دینی

شهرت است یا حصّی؟ و اگر شهودی

می‌باشد، چگونه می‌تواند هنر شهودی

- آیا یک بشر از هنر دینی و دین

را به نحو حصّی می‌تواند

هنری است یا خیر؟ حالات

- آیا درک زیبایی‌های هنری و یا

دین انسان را به سوی یک زیبایی و هنری از

شهودی از سوی شارع دینی می‌تواند

ملوکوتی و خلافتی برپایه عرضّه

سبب شکوفایی زیبایی‌های هنرهای

مندانّه زیبایی‌های هستی.

نهفته انسان شود؟

- هنر در دین و یا هنری

در دین و یا هنری

شدن دین به نحو ملوکوتی و عقلانی

هنر است

است و اینکه اصول تعلیم نیز در آن

کدامین معرفت‌دینی، هنری‌تر

جای دارد

است؟

- هویت ملوکوتی و شکوفایی

- آیا ظرف زمانی هر هنر از زمان

انسان در درک زیبایی‌های عینی

فهم انسان از آن هنر است یا خیر؟ چه

مصنوعی و هنرهای بشری چه نقشی

انسان باشد یا نباشد، هنر هنر است.

دارد؟

بخش دوّم: معیارهای دینی بودن هنر:

- آیا فهم هنری از دین و یا هنر

۱- ذاتی بودن هنر از حاق دین

۲- یافت گوهر و یا صدف دین در

آنها

نحو سلیقه‌ای پذیرفته شود و یا

اینکه به نحو تعبدی نیز می‌تواند

پذیرفته شود؟

- ما چگونه می‌توانیم از بیانات

هنری شارع دینی به اصول و قواعد

معارض دینی دست

بازیم؟ با چه

پارهای این امر

کنند؟

- کاربرد

تفکری عقلی

بردارد هنری از دین، می و

کدامین

است؟

- وسیله

شناخت

۱- آیا معارف دین، قابل

عرضه از زاویه هنر است؟ چرا؟

چگونه؟

۲- کدامین موضوعها

بهترین بیان را از راه هنر

۳- چارچوبه‌پذیری هنر از دین

- آیا هنر ذاتاً چارچوبه‌پذیر

است؟

یا صرف چارچوبه‌پذیری هنر

از دین، هنرمندی می‌کند؟

دامین چارچوبه‌ها برای هنر

قابل

- آیا این چارچوبه‌ها هنرپرور

است؟

دین می‌تواند به نحو

تألیفی - به

اصول و قوانین

۱- چه تفاوتی می‌بینی

عقلایی، اصول عقلی و اصول

تشریحی هنر دینی است؟ آیا هر

اصل هنری دین باید حتماً به نحو

عقلی و عقلایی پذیرفته شود یا به



داریند؟

و معیارهای آن

۳ - تاریخ عرضه دین از

بخش چهارم: مختصات هنر دینی:

زاویه هنر در تاریخ انبیاء و

- تأسیسی یا امضائی بودن

ائمہ علیہ السلام.

- دنیایی و آخرتی بودن آن (این

۴ - محدودیت‌های هنر

جهانی نبودن آن)

مختصات خاصه

تاریخی بودن هر نتیجه فلسفه

رضه شاخصه و آثار دینی

تاریخ داشتن آن

روحانی فطریات دینی

- سیال بودن به فضای رشد زمانه

کان آن؟

- جامعیت دینی

- برای گنجینه‌ها و

- برتر بودن هنر دینی

تلاشهای دینی

- عصمت و مبارکات

بخش پنجم: تأثیرپذیری هنر از دین:

- ساری و جاری شدن آثار تحریکی

- مستر و عیب‌پذیری هنری و در

به سبب استثنائی

نتیجه مطلوبه‌پذیری از

- ابل درک برای همگان بودن در

شکل‌های هنری

- کار آمدن مخالفه خاص واقعی

- توسعه در بهره‌گیری از نمایی و

بخش پنجم: نوع هنر دینی:

مردمی و حتی دورانی (آخرت و دنیوی)

- هنر تخیلی و هنر واقعی کدامیک؟

- هویت سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی

- هنر ساده (امّی) و یا پیچیده و

(انحراف از دین) یافتن هنر

نمادی؟

- در خلاقیتها و شاهکارهای هنری

- کدامین هنر گویاترین بیان را از

دین دارد؟

- ۹ - ...

- هنرهای بیانی و هنرهای

تصویری و نوع سوّم

بخش ششم: هنر ضد دینی:

- تأثیر انحرافات دینی در هنر

هنرهای بیانی

- چه سناسی هنرهای ضد دینی

- آثار بیوی و ماکسیمیلیان

دینی

فصل چهارم: جلوه های دین از زاویه هنرها

بخش اول: مبانی

آیا جلوه های دینی توسط هنرها

برای بیان دین قابل فهم است؟

- آیین و عهدهای دینی در باستان و

امروزی بیان است؟

بخش دوم: بیان دین در هنر

از زاویه هنرها

- خداشناسی و توحید از زاویه:

- هنرهای بیانی

- هنرهای نمایشی

- هنرهای تجسمی

فصل پنجم: جامعه و هنر در دین هنری

بخش اول: حدود و اختیارات جامعه دینی از

زاویه هنر میراث هنر

و دین:

- ذوق های هنری انسانهای هنرمند

چگونه از راه معارف دین قابل شکوفایی

است؟ مکانیسم آن کدام است؟

- چگونگی تأثیر عرضه هنرمندان

دین در هدایت و ارشاد مردم با ذوق



کدام است؟

(۲) سورة انعام، آیه ۹۱.

(۳) اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰،

- تفاوت قالبهای هنری هنرمندان

ص ۱۹۹.

در یافت و بیان و نقد این هنرها چگونه

(۴) سورة نحل، آیه ۳۶.

با فطری بودن آن قابل توجیه است؟

۲. آیه جمعه،

- دین‌داری هنرمند چه تأثیر

(۶) سورة

عرضه هنر

(۷) سورة

- اصلاح جامعه با اصلاح هنرمندان،

(۸) سورة

هنر و یا دین کدامیک؟

(۹) سورة بقره، آیه ۱۱۳.

- ایستادگی هنری به چه علت

(۱۰) سورة مائده، آیه ۱۶.

است

(۱۱) شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۹.

نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

پی‌نوشت

۱۶۶.

(۱) نهج البلاغه